75057 ـ خویشاوندی که صلۀ رحم آنان واجب است کدامند؟

سوال

الله تعالی و پیامبر گرامی‌اش ـ صلی الله علیه وسلم ـ به صلۀ رحم توصیه کرده‌اند.

سؤال من این است:

خویشاوندانی که صلۀ رحم آنان واجب است چه کسانی هستند؟ آیا منظور خویشاوندان از جهت پدر است یا مادر یا همسر؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

علما دربارۀ مرزِ خویشاوندی که باید ارتباط با آنان را نگه داشت، بر سه قول هستند:

قول نخست: حد رحم کسانی هستند که محرم هستند.

قول دوم: حد رحم کسانی هستند که میراث می‌برند.

قول سوم: خویشاوندان بر اساس نسب هستند، چه ارث ببرند و چه نبرند.

و قول صحیح از میان اقوال علما، همان قول سوم است یعنی آنکه خویشاوندان صاحب رحم کسانی هستند که از جهت نسب ـ نه از جهت رضاع ـ خویشاوند هستند، هم از جهت پدر و هم از جهت مادر.

اما نزدیکان زن، خویشان شوهر به حساب نمی‌آیند و خویشاوندان شوهر نیز خویشاوند و رحم زن نیستند.

از شیخ عبدالعزیز بن باز ـ رحمه الله ـ پرسیده شد:

صاحبان رحم و خویشاوندان چه کسانی هستند؟ برخی می‌گویند خویشاوندان زن از جملۀ ارحام [شوهر] نیستند؟

ایشان چنین پاسخ دادند:

«ارحام، خویشاوندانِ نَسَبی از جهت مادر و پدر تو هستند و آنان همان کسانی هستند که الله تعالی در سورۀ انفال و احزاب به آنان اشاره دارد:

وَأُوْلُواْ الأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللّهِ [سورۀ انفال: ۷۵ و احزاب: ۶]

(و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب الله سزاوارترند).

نزدیکترین آنان: پدران و مادران و پدربزرگها و مادربزرگها و فرزندان و فرزندانِ فرزندان آنها، سپس نزدیکتر از برادران و خواهران و فرزندان آنها و عموها و عمه‌ها و فرزندان آنها و دایی‌ها و خاله‌ها و فرزندان آنها، و از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ ثابت است که وقتی از ایشان پرسیدند که به چه کسی نیکی کنم ای رسول خدا؟ فرمودند: «مادرت»، سپس پرسید: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت»، دوباره پرسید: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت»، باز پرسید: سپس چه کسی؟ فرمود: «پدرت، سپس نزدیکتر و نزدیکتر». به روایت امام مسلم در صحیح، و احادیث در این باب بسیار است.

اما نزدیکان زن، اگر از خویشاوندان مرد نیستند [صرفا برای آنکه خویشاوندن همسرش هستند] خویشاوند او به حساب نمی‌آیند، اما خویشاوند و ارحام فرزندان او هستند، وبالله التوفیق».

(فتاوى إسلامية: ۴/ ۱۹۵).

بنابراین، خویشاوندان هر یک از زوجین، ارحام دیگری به حساب نمی‌آیند، با این حال شایسته است که در حق آنان نیکوکاری کند زیرا این از جملۀ رابطۀ نیک بین آنها و از اسباب بیشتر شدن الفت و محبت است.

ثانیا:

صلۀ رحم با امور متعددی انجام می‌شود، از جمله: دیدار و صدقه و نیکی به آنان و عیادت بیماران و امر آنان به معروف و نهی آنان از منکر و دیگر امور.

نووی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«صلۀ رحم یعنی نیکوکاری در حق نزدیکان بر حسب شخص و آن خویشاوندی که می‌خواهد صلۀ او را به جا آورد؛ گاه این صله با مال است و گاه با خدمتگزاری و گاه با دیدار و سلام و غیر آن».

(شرح مسلم: ۲/ ۲۰۱).

شیخ محمد بن صالح العثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«صلۀ نزدیکان بر اساس عرف و عادتی است که مردم از آن پیروی می‌کنند؛ زیرا در کتاب و سنت نوع و جنس و مقدار آن مشخص نشده است؛ و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آن را با چیز مشخصی مقید نساخته... بلکه آن را به شکل مطلق مطرح کرده است؛ بر این اساس در آن به عرف باز می‌گردد و هر آنچه عرف جاری بر آن است که صلۀ رحم به شمار می‌رود همان صلۀ رحم است و آنچه که مردم آن را به عنوان قطع رابطه می‌شناسند همان قطع رابطه است».

(شرح ریاض الصالحین: ۵/ ۲۱۵).

والله اعلم.